

تغییر زمان آزمون ورودی حوزه‌های علمیه از تیر به مرداد

با توجه به برگزاری دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری، زمان آزمون ورودی حوزه‌های علمیه به ۵ مرداد ۱۴۰۳ تغییر کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، معاونت آموزش حوزه‌های علمیه اعلام کرد: با توجه به برگزاری دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری چهارهم در تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۳ و همزمانی آن با روز برگزاری آزمون ورودی حوزه‌های علمیه، زمان برگزاری آزمون ورودی حوزه‌های علمیه برای سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۳، به ۵ مرداد موکول شد.

داوطلبان می‌توانند، از یکم مردادماه با مراجعه به سایت سنجش و پذیرش حوزه‌های علمیه، به نشانی pazresh.ismc.ir اقدام به دریافت کارت ورود به جلسه آزمون نمایند.

دعوت به همکاری

در پژوهشکده فقه و مدیریت

مجمع عالی تربیت مجتهد مدیر محمديه

پژوهشکده تخصصی فقه و مدیریت وابسته به مجتمع عالی تربیت مجتهد مدیر محمديه، از متخصصان و پژوهشگران توانمند دعوت به همکاری می‌کند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، پژوهشکده تخصصی فقه و مدیریت وابسته به مجتمع عالی تربیت مجتهد مدیر محمديه، در راستای سیاست‌ها و به‌منظور بهره‌گیری از ظرفیت علمی و پژوهشی اساتید حوزه و دانشگاه و تکمیل کادر علمی خود در پژوهشکده و گروه‌های پژوهشی زیر، از متخصصان و پژوهشگران توانمند، دعوت به همکاری می‌نماید.

گروه فقه فرهنگ؛

گروه فقه اقتصاد؛

گروه فقه قضا؛

شرایط عضویت:

اساتید حوزه و دانشگاه در رشته‌های مرتبط؛

پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی با داشتن حداقل مدرک سطح ۳ یا ارشد در رشته‌های مرتبط.

اولویت پذیرش:

دانش پژوهان مجتمع؛

نخبگان، مدال آوران و پژوهشگران دارای رتبه ملی و بین المللی؛ پژوهشگران دارای آثار و تألیفات مرتبط با گروه‌های درخواستی.

مزایا:

عقد قرارداد پژوهشی؛

اعطای کوهی رسمی به‌عنوان پژوهشگر وابسته به مجتمع؛

اولویت انتشار آثار؛

بهره‌مندی از فضای پژوهشی و کتابخانه.

تاریخ: ۳۲۹۳۷۷۳۳۳ داخلی ۱۱۳

ادمین پشتیبانی در ایـتا: Mostafa۲۱۳۲۲۹۴@

کانال اطلاع‌رسانی مجتمع در ایـتا: Mojtaهد.modir

سایت مجتمع: www.mojtahedmodir.ir

تمدید ثبت‌نام دوره یک‌ساله و ۳ ماهه

مهارت‌های بیان تفسیر ویژه طلاب

ثبت‌نام دوره یک‌ساله و ۳ ماهه مهارت‌های بیان تفسیر ویژه طلاب برادر و خواهر تمدید شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، ثبت‌نام دوره یک‌ساله و ۳ ماهه مهارت‌های بیان تفسیر ویژه طلاب برادر و خواهر به‌علت درخواست تعدادی از داوطلبان جهت دوره کوتاه‌مدت تابستانه، در صورت به‌حد نصاب رسیدن نیز برگزار خواهد شد.
تاریخ دوره تابستانه در صورت تشکیل از ۳۰ تیر تا ۲۵ مرداد بوده و جهت ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۵۳۷۸۳۴۱۴۷ (داخلی ۱۷) تماس گرفته یا برای دوره بلندمدت در سال جدید، عدد ۱ را به ۰۸۳۳۰۸۰۹۳۷۳۳۸۰۹۳۷۳۳۸۰۹۳۷۳۳۸۰۹۳۷۳۳۸۰۸۲۳ ارسال نمایید.

مراجعه حضوری از ساعت ۹ تا ۱۳ به نشانی: قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه ۲۴ (ممتاز)، فرعی ۱۱ امکان‌پذیر است.

فراخوان بیست‌وششمین دوره

جشنواره شیخ طوسیرحمۃ‌الله‌علیه

بیست‌و ششمین دوره جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسیرحمۃ‌الله‌علیه از سوی پژوهشگاه بین‌المللی المصطفیصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌وعلیهم‌السلام فراخوان شد.

به گزارش روابط عمومی جامعه‌المصطفی، کلیه کتب پژوهشی، آموزشی و ترجمه‌ای منتشر شده المصطفائیان در سال ۱۴۰۲، پایان‌نویسه‌های دفاع‌شده المصطفائیان در سال ۱۴۰۲ و مقالات علمی منتشرشده المصطفائیان در نشریات معتبر ملی و بین‌المللی در سال ۱۴۰۲، می‌توانند در بخش فراخوان آثار جشنواره شرکت نمایند.

همچنین بخش فراخوان مقاله همایش با عنوان «مردم‌سالاری دینی در گفتن‌ان تمدنی انقلاب اسلامی» با محورهای کلی مبانی و کلیات، دستاوردها و کارآمدی، فرصت‌ها، موانع و راهکارها، مطالعه تطبیقی، افق‌ها و چشم‌انداز فرارو، آماده دریافت آثار اساتید، طلاب، دانشجویان و پژوهشگران است.

مهلت ارسال آثار تا پایان شهریور ۱۴۰۳ و مهلت ارسال چکیده مقالات فراخوان، تا پایان مهرماه ۱۴۰۳ و فرصت ارسال اصل مقالات فراخوان نیز، تا پایان آذرماه ۱۴۰۳ اعلام شده است.

علاقه‌مندان، برای کسب اطلاعات بیشتر، می‌توانند به پایگاه اینترنتی جشنواره به‌نشانی toufi.miu.ac.ir مراجعه نمایند.

اشتراک افق حوزه

۰۵۳۶-۳۲۹۰۰۵۳۶-۲۵

۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰

www.ofoghhawzah.com

دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۳ ۲ محرم الحرام ۱۴۴۶ ۸ جولای ۲۰۲۴

سال بیست و سوم شماره ۸۰۶

پرس و جو



چرا باید دشمنان امام حسین علیه السلام را لعن کرد؟

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی ^{رحمۃ‌الله‌علیه}

دین بدگویی و اهانت می‌کنند، با سستی و با زبان مسخره و استهزا سخن می‌گویند، به آنها نزدیک نشو، هرچه گفتند، گوش نده تا زمانی که به بحث دیگری بپردازند و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْنَا فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَّبِعُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ﴾.
بعد می‌فرماید: اگر کسانی این نصیحت را گوش نکردند، باید بدانند که عاقبت به آنها ملحق خواهند شد. ﴿إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾؛ سرانجام کسانی که نسبت به استهزاکنندگان دین محبت می‌ورزند و به آنها روی خوش نشان می‌دهند، این‌است که تدریجاً حرف‌های استهزاکنندگان بر آنها اثر می‌گذارد. وقتی حرف‌های‌شان اثر کرد، در دل‌های‌شان شک به وجود می‌آید و اگر شک ایجاد شد، اظهار ایمان کردن نفاق می‌شود. انسان وقتی در دل ایمان ندارد؛ اما در ظاهر بگوید من مسلمانم، این عین نفاق است. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾؛ چنین کسانی که در دنیا به‌واسطه اثر هم‌نشینی با کافران منافق می‌شوند، در آخرت داخل جهنم با ایشان هم‌نشین خواهند بود.

به‌عبارت دیگر، دشمنی با دشمنان، سیستمی دفاعی در مقابل ضررها و خطرها ایجاد می‌کند. بدن انسان همان‌گونه‌که عامل جاذبه‌ای دارد که مواد مفید را جذب می‌کند، یک سیستم دفاعی نیز دارد که سموم و میکروب‌ها را دفع می‌کند؛ سیستمی که با میکروب مبارزه می‌کند و آنها را می‌کشد. کار گلبول‌های سفید همین است. اگر سیستم دفاعی بدن ضعیف شد، میکروب‌ها رشد می‌کنند. رشد میکروب‌ها به بیماری انسان منجر می‌شود و انسان بیمار، ممکن است با مرگ رو به رو شود. اگر بگوییم ورود میکروب به بدن ایرادی ندارد، به میکروب خوش‌آمد گفته و بگوییم مهمان هستید، احتراماتان واجب است، آیا در این صورت بدن سالم می‌ماند؟ باید میکروب را از بین برد. این سنت الهی است. این تدبیر و حکمت الهی است که برای هر موجود زنده‌ای دو سیستم در نظر گرفته است؛ یک سیستم برای جذب و دیگری سیستم دفع. همان‌طور که جذب مواد مورد نیاز، برای رشد هر موجود زنده‌ای لازم است، دفع سموم و مواد مضر از بدن هم لازم است. اگر انسان سموم را دفع نکند، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

موجودات زنده قوه دافعه دارند. این قوه دافعه به‌خصوص در حیوانات و انسان همین نقش را ایفا می‌کند. چیزهایی که برای بدن مضر است، باید بیرون ریخت. دستگاه‌هایی در بدن وجود دارند، نظیر کلیه، مثانه و… که این کار را به‌طور عادی انجام می‌دهند. گاهی هم وقتی میکروب‌های خارجی حمله‌ور می‌شوند، باید گلبول‌های سفید فعال شوند و با آنها بجنگند تا آنها را کشته و از بدن بیرون بریزند. در روح انسان نیز، باید چنین استعدادی وجود داشته باشد. باید یک عامل جاذبه روانی داشته باشیم تا از کسانی که برای ما مفید هستند، خوش‌مان بیاید، دوست‌شان بداریم، به آنها نزدیک شویم و از آنان علم، کمال، ادب، معرفت و اخلاق فرا بگیریم. چرا انسان افراد و امور پسندیده را دوست دارد؟ برای اینکه وقتی به آنها نزدیک می‌شود، از آنها استفاده می‌کند. نسبت به خوابانی که منشأ کمال هستند و در پیشرفت جامعه مؤثر هستند، باید ابراز دوستی کرد و در مقابل، باید عملاً با کسانی که برای سرنوشت جامعه مضر هستند، دشمنی کرد؛ ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا



همچنان‌که خدا استعداد خندیدن به ما داده، استعداد گریه کردن هم به ما عطا فرموده است. در جای خودش باید خندید و به جای خود هم باید گریست. تعطیل کردن بخشی از وجودمان، به این معنی است که از داده‌های خدا در راه آنچه آفریده شده، استفاده نکنیم. دلیل اینکه خدا در ما گریه را قرار داده، این است که در مواردی باید گریه کرد. البته مورد آن را باید پیدا کنیم و الا استعداد گریه در وجود ما لغو خواهد بود. خدا چرا در انسان این احساس را قرار داده است که به‌واسطه آن، حزن و اندوه پیدا می‌کند و اشک از دیدگانش جاری می‌شود؟ معلوم می‌شود، گریه کردن نیز در زندگی انسان جای خود را دارد. گریه برای خدا، به‌انگیزه خوف از عذاب یا شوق به لقای الهی و شوق به لقای محبوب، در تکامل انسان نقش دارد. انسان در اثر دلسوزی نسبت به محبوب مصیبت‌دیده خود، رقت پیدا می‌کند؛ این طبیعت انسان است که در مواردی باید رقت قلب پیدا کند و در اثر آن گریه سر دهد.

خداوند در ما محبت را آفریده است تا نسبت به کسانی که به ما خدمت می‌کنند، نسبت به کسانی که کمالی دارند، خواه کمال جسمانی، یا کمال عقلانی یا روانی و یا عاطفی، به ابراز علاقه و محبت بپردازیم. هنگامی که انسان احساس می‌کند، در جایی کمالی و یا صاحب کمالی یافت می‌شود، نسبت به آن کمال و صاحب کمال محبت پیدا می‌کند. علاوه بر آن، در وجود انسان نقطه مقابل محبت به‌نام بغض و دشمنی قرار داده شده است. همان‌گونه که فطرت انسان بر این است که کسی را که به او خدمت می‌کند، دوست بدارد، فطرتش نیز بر این است که کسی را که به او ضرر می‌زند، دشمن بدارد. البته ضررهای مادی دنیوی برای مؤمن اهمیتی ندارد؛ چون اصل دنیا برای او ارزشی ندارد؛ اما دشمنی که دین را از انسان بگیرد، دشمنی که سعادت ابدی را از انسان بگیرد، آیا قابل اغماض است؟ قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخَذُوهُ عَدُوًّا﴾؛ شیطان دشمن شماست؛ شما هم باید با او دشمنی کنید. با شیطان دیگر نمی‌شود لبخند زد و کنار آمد؛ وگرنه انسان هم می‌شود شیطان. اگر باید با اولیای خدا دوستی کرد، با دشمنان خدا هم باید دشمنی کرد. این فطرت انسانی است و عامل تکامل و سعادت انسانی است. اگر «دشمنی» با دشمنان خدا نباشد، به‌تدریج رفته‌رفته رفتار انسان با آنها دوستانه می‌شود و در اثر معاشرت، رفتار آنها را می‌پذیرد و حرف‌هایشان را قبول می‌کند. کم‌کم شیطان دیگری مثل آنها می‌شود.

می‌گویید نه! ببینید قرآن چه می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ﴾؛ چنانچه ببینی کسانی نسبت به

حَتَّى تُوْمِتُوا بِاللهِ وَخَذَهُ﴾. قرآن می‌فرماید: شما باید به حضرت ابراهیمعلیه السلام و یاران او تأسی کنید. می‌دانید که حضرت ابراهیمعلیه السلام در فرهنگ اسلامی، جایگاه بسیار رفیعی دارد. پیغمبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم می‌فرمود: من تابع ابراهیم هستم. اسلام هم نامی است که حضرت ابراهیمعلیه السلام به این دین و آیین داد: ﴿هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ﴾. خداوند می‌فرماید: شما باید به ابراهیمعلیه السلام تأسی کنید. کار ابراهیمعلیه السلام چه بود؟ ابراهیمعلیه السلام و یارانش به بت‌پرستانی که با آنها دشمنی می‌کردند و ایشان را از شهر و دیار خود بیرون راندند، گفتند: ﴿إِنَّا بُرَءُا مِنْكُمْ﴾؛ ما از شما بیزاریم. اعلان برائت کردند. بعد به این هم اکتفا نمی‌کنند. می‌فرماید: بین ما و شما تا روز قیامت دشمنی و کینه برقرار است؛ مگر اینکه دست از خیانت‌کاری خود بردارید.

• دلیل اصلی دشمنی ما با آمریکا

اینکه ما نسبت به دشمنان اسلام و شیطان بزرگ آمریکا این قدر کینه داریم و اجازه نمی‌دهیم، شعار «مرگ بر آمریکا» حذف شود، تأسی به حضرت ابراهیمعلیه السلام است. قرآن می‌فرماید: شما باید از ابراهیمعلیه السلام یاد بگیرید و صریحاً بگویید: مرگ بر دشمن اسلام و عداوت و دشمنی خود را نسبت به دشمنان دین اعلام کنید. همه جا، جای لبخند نیست. در بعضی موارد باید عبوس بود، باید اخم کرد، باید صریحاً گفت: ما دشمن شمایم، ما آشتی نمی‌کنیم؛ مگر دست از خیانت بردارید. این دستور قرآن است. سابقاً می‌گفتند: فروع دین ده است. بعد از «امر به معروف» و «نهی از منکر» دو فرع «تولی» و «تبری» را نیز جزء فروع دین به حساب می‌آوردند.

یعنی از جمله واجباتی که همه مسلمان ها باید توجیه داشته باشند و به آنها عمل کنند، این است که باید دوستان خدا را دوست بدارند و با دشمنان خدا نیز دشمنی کنند. تنها دوستی دوستان خدا کافی نیست؛ اگر دشمنی با دشمنان خدا نباشد، دوستی دوستان هم، از بین خواهد رفت. اگر سیستم دفاعی بدن نباشد، آن سیستم جذب هم، نابود خواهد شد. آنچه مهم است، این است که ما جای جذب و دفع را درست بشناسیم. گاهی متأسفانه امور مشتبیه می‌شود. در موردی که باید جذب کنیم، عملاً به دفع می‌پردازیم. کسی که از روی نادانی، سخنی به اشتباه و خطا گفته و لغزشی برای او پیش آمده و بعد هم پشیمان گردیده است و یا اگر برای او توضیح دهیم، از روی انصاف قبول خواهد کرد، نسبت به چنین کسی نباید دشمنی کرد. صرف اینکه کسی مرتکب گناهی شد، نباید او را از جامعه طرد کرد؛ بلکه باید در صدد اصلاح او برآییم. در بیماری است که باید به پرستاری‌اش پرداخت. در این مورد جای اظهار دشمنی نیست؛ مگر کسی که تعمد داشته باشد و علناً گناه را در جامعه رواج دهد. این دیگر خیانت، تعمد، خیانت و پلیدی است. باید با چنین شخصی دشمنی کرد؛ اما اگر کسی اشتباهاً مرتکب گناهی شده است، باید با مهربانی با او رفتار کرد. نباید آبروی او را ریخت؛ بلکه باید در اصلاح او سعی کرد. او مشکل دارد و باید مشککش را حل کرد. اما در مورد دشمنان غذا، کینه‌توز و قسم‌خورده، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾؛ تا دست از انقلاب‌تان بر ندارید، آمریکا از شما راضی نخواهد شد. هر روز لازم است، تأمل کنیم که آشتی با چنین کسانی یعنی چه؟ لبخند به روی آنان یعنی چه؟ باید با نهایت غضب، خشونت، تندى و عبوسی با اینها بر خورد کرد. باید مرگ را بر سر اینها بارید؛ چون آنان جز به مرگ ما راضی نیستند؛ نه‌تنها به مرگ بدن ما، بلکه تنها به مرگ روح ما، به مرگ دین ما راضی می‌شوند.

• نتیجه بحث

حاصل سخن اینکه، بزرگداشت مراسم سیدالشهداءعلیه السلام بازسازی حیات حسینی است تا از آن حیات، به‌نحو احسن استفاده شود. نباید به بحث‌های علمی اکتفا شود؛ چون انسان به برانگیخته شدن عواطف و احساسات احتیاج دارد. نباید به عواطف مثبت، به شادی و به خنده، بسنده کرد؛ زیرا زنده نگه داشتن خاطره سیدالشهداءعلیه السلام و مظلومیت او از راه احساسات شورانگیز حزن و گریه و سوگواری امکان دارد و بالأخره همراه با آن همه درد و سلام و عرض ارادت به خاک پای حسینی و به خاک قبر حسینی، باید بر دشمن حسینعلیه السلام و دشمن اسلام و دشمنان خدا لعن و نفرین کرد. تنها سلام و درود مشکل را حل نمی‌کند. ما نمی‌توانیم از برکات حسینی استفاده کنیم؛ مگر اینکه اول دشمنان او را لعن کنیم و بعد بر او سلام بفرستیم. قرآن هم اول می‌فرماید: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾، بعد می‌فرماید: ﴿رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛ پس در کنار سلام، باید هم با دشمنان او رفتار کرد. تبری و اظهار دشمنی نسبت به دشمنان اسلام نیز باید باشد. اگر این‌گونه شدیم، حسینی هستیم؛ وگرنه بی‌جهت خودمان را به حسینعلیه السلام نسبت ندهیم.

منبع: آدرخشی دیگر از آسمان کرلا

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی ^{رحمۃ‌الله‌علیه}.

• پی‌نوشت‌ها

۱. زیارت عاشورا؛

۳. انعام، ۶۸؛

۵. متحنه، ۴؛

۶. سج، ۶۸؛

۷. بقره، ۱۱۰؛

۸. فتح، ۲۹؛

۹. همان.